

به نام خدا

مدرسه در عصر نسل Z و Alpha

مؤلفان :

طاهره اصغری ترانچه

امیدعلی الهی

فاطمه اصغری ترانچه

نیلگون بیک زاده

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : اصغری ترانچه ، طاهره ، ۱۳۵۷
 عنوان و نام پدیدآورندگان : مدرسه در عصر نسل Z و Alpha / مولفان طاهره اصغری ترانچه ، امیدعلی
 الهی ، فاطمه اصغری ترانچه ، نیلگون بیگ زاده
 مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
 مشخصات ظاهری : ۹۹ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۰۴۸-۲
 شناسه افزوده: الهی ، امیدعلی ، ۱۳۵۴
 شناسه افزوده: اصغری ترانچه ، فاطمه ، ۱۳۶۲
 شناسه افزوده: بیگ زاده ، نیلگون ، ۱۳۵۹
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : مدرسه - عصر نسل Alpha - Z
 رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
 رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۳۷۶۱۹
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : مدرسه در عصر نسل Z و Alpha
 مولفان : طاهره اصغری ترانچه - امیدعلی الهی - فاطمه اصغری ترانچه - نیلگون بیگ زاده
 ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
 صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : محدثه فرهمند و الهام غفاری
 تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
 چاپ : زبرجد
 قیمت : ۱۵۰۰۰۰ تومان
 فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۰۴۸-۲
 تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

فصل اول : شناخت نسل های Z و ALPHA و تحول سبک یادگیری.....۹

- تفاوت الگوهای شناختی نسل Z و ALPHA با نسل های پیشین ۹
- یادگیری دیجیتال، تصویری و تعاملی ۱۲
- کاهش تمرکز و افزایش نیاز به محرک در نسل Z و ALPHA ۱۵
- عوامل مؤثر بر کاهش تمرکز ۱۶
- پیامدهای آموزشی ۱۷
- پیامدهای تربیتی و مدیریتی ۱۸
- اهمیت شناخت این ویژگی ۱۹
- نقش خانواده، رسانه و فضای مجازی در شکل گیری شخصیت یادگیرنده ۱۹
۱. خانواده: بنیان شناختی و هیجانی یادگیری ۲۰
۲. رسانه ها: شکل دهنده سبک پردازش اطلاعات و تفکر شبکه ای ۲۱
۳. فضای مجازی: زیست بوم یادگیری شخصی سازی شده و تعامل اجتماعی ۲۲
۴. تعامل خانواده، رسانه و فضای مجازی ۲۳
- پیامدهای تربیتی و مدیریتی ۲۴
- عبور از آموزش خطی به تجربه یادگیری: بازتعریف یادگیری برای نسل های Z و ALPHA
- ۲۵
۱. محدودیت های آموزش خطی در مواجهه با ذهن شبکه ای ۲۶
۲. ویژگی های تجربه یادگیری فعال و چندمسیره ۲۸
۳. نقش فناوری، رسانه و فضای دیجیتال ۲۹
۴. پیامدهای آموزشی و مدیریتی ۲۹

فصل دوم : بحران اقتدار در مدرسه و دگرگونی نقش مدیر آموزشی ۳۳

بحران اقتدار در مدرسه و دگرگونی نقش مدیر آموزشی ۳۵

۱. دگرگونی زیست‌بوم یادگیری و فروپاشی اقتدار نهادی ۳۶

۲. تغییر معماری شناختی و پیامدهای آن برای مدیریت ۳۶

ترجیح تجربه بر دستور ۳۷

۳. بحران انگیزش و ناکارآمدی کنترل بیرونی ۳۷

۴. افول احترام سنتی و بازتعریف مرجعیت ۳۸

۶. نسل بی‌اقتدارپذیر و مقاومت پنهان ۳۹

۷. ناکارآمدی مدل انضباط سنتی ۴۰

۸. اقتدار نرم مدیر آموزشی: راهبرد نوین ۴۱

۹. پیامدهای تحول در مدیریت مدرسه ۴۲

تغییر مفهوم احترام و مرجعیت در مدارس نسل‌های Z و ALPHA ۴۲

۱. فروپاشی مرجعیت سلسله‌مراتبی ۴۳

۲. تحول معیارهای احترام ۴۳

۳. بازتعریف مرجعیت ۴۴

۴. تاثیر بر انگیزش و مسئولیت‌پذیری ۴۴

۵. پیامدهای مدیریت آموزشی ۴۵

نسل بی‌اقتدارپذیر و مقاومت پنهان ۴۶

۱. تعریف نسل بی‌اقتدارپذیر ۴۷

۲. الگوهای مقاومت پنهان ۴۸

۳. عوامل شکل‌گیری مقاومت پنهان ۴۸

۴. پیامدهای مدیریتی و آموزشی ۴۹

۵. راهبردهای مقابله با مقاومت پنهان ۵۰

۵۰	رهبری مشارکتی به جای فرماندهی
۵۱	۱. تعریف رهبری مشارکتی
۵۲	۲. تفاوت رهبری مشارکتی و فرماندهی
۵۲	۳. مزایای رهبری مشارکتی در مدرسه
۵۳	۴. راهکارهای عملی برای اجرای رهبری مشارکتی
۵۴	۵. چالش‌ها و نکات مهم
۵۴	مهارت‌های حیاتی مدیر قرن ۲۱
۵۵	۱. هوش هیجانی (Emotional Intelligence)
۵۵	کاربرد در مدرسه:
۵۶	۲. ارتباط مؤثر (Effective Communication)
۵۶	کاربرد در مدرسه:
۵۶	۳. انعطاف‌پذیری (Adaptability & Flexibility)
۵۷	کاربرد در مدرسه:
۵۷	۴. هم‌افزایی مهارت‌ها برای رهبری قرن ۲۱
۵۸	مدیر به‌عنوان رهبر فرهنگی مدرسه
۵۹	۱. نقش‌های کلیدی رهبر فرهنگی
۶۰	۲. ایجاد فرهنگ مشارکتی
۶۰	۳. هم‌پوشانی با رهبری مشارکتی و مهارت‌های حیاتی
۶۱	۴. پیامدهای رهبری فرهنگی

فصل سوم: بازتعریف انضباط و ساختن محیط یادگیری انسانی ۶۳

۶۴	۱. شکست مدل انضباط تحمیلی
۶۵	۲. اصول بازتعریف انضباط
۶۶	۳. محیط یادگیری انسانی

۴.	نقش مدیر و معلم در محیط یادگیری انسانی	۶۷
۵.	ابزارها و راهبردهای عملی	۶۸
۶.	پیامدهای بازتعریف انضباط	۶۸
	تفاوت تنبیه و انضباط تربیتی	۶۹
۱.	تنبیه (Punishment)	۷۰
۲.	انضباط تربیتی (Disciplinary Guidance / Educational Discipline)	۷۰
	قوانین مشارکتی و مسئولیت‌پذیری	۷۲
۱.	تعریف قوانین مشارکتی	۷۳
۲.	نقش قوانین مشارکتی در مسئولیت‌پذیری	۷۳
۳.	فرآیند تدوین قوانین مشارکتی	۷۴
۴.	مسئولیت‌پذیری در محیط یادگیری مشارکتی	۷۴
۵.	پیامدهای قوانین مشارکتی	۷۵

فصل چهارم : آینده مدیریت آموزشی؛ از کنترل به همراهی ۷۷

	گذار پارادایمی در مدیریت آموزشی	۷۷
	مفهوم‌شناسی همراهی در مدیریت آموزشی	۷۸
	پیشران‌های اصلی حرکت از کنترل به همراهی	۷۹
۱.	پیچیدگی محیط‌های یادگیری	۷۹
۲.	فناوری‌های نوین آموزشی	۷۹
۳.	حرفه‌ای‌شدن معلمان	۷۹
۴.	چرخش به سوی پاسخ‌گویی کیفی	۷۹
	مؤلفه‌های کلیدی مدیریت آموزشی همراهانه	۷۹
۱.	رهبری توزیع‌شده	۷۹

۲. فرهنگ اعتماد سازمانی	۸۰
۳. مربیگری و منتورینگ	۸۰
۴. تصمیم‌گیری مبتنی بر داده انسانی	۸۰
بازتعریف نقش مدیر مدرسه در آینده	۸۱
پیامدهای تحول به‌سوی همراهی	۸۱
۱. برای معلمان	۸۱
۲. برای دانش‌آموزان	۸۱
۳. برای سازمان مدرسه	۸۲
چالش‌های پیش‌رو	۸۲
الزامات تحقق مدیریت همراهانه	۸۳
«مدرسه آینده چه شکلی دارد؟»	۸۴
معماری فیزیکی و فضایی: از کلاس بسته به محیط یادگیری باز	۸۴
برنامه درسی: از محتوا محوری به شایستگی محوری	۸۵
نقش معلم: از انتقال‌دهنده به طراح تجربه یادگیری	۸۶
نقش دانش‌آموز: از دریافت‌کننده به عامل یادگیری	۸۶
رهبری و مدیریت: از سلسله‌مراتب به رهبری شبکه‌ای	۸۶
فناوری: از ابزار جانبی به بستر زیربنایی	۸۷
ارزشیابی: از سنجش پایانی به پایش فرایندی	۸۷
پیوند با جامعه: از مدرسه منزوی به مدرسه شبکه‌ای	۸۸
فرهنگ و زیست‌جهان مدرسه	۸۸

فصل اول:

شناخت نسل‌های Z و Alpha و تحول سبک یادگیری

تفاوت الگوهای شناختی نسل Z و Alpha با نسل‌های پیشین

نسل‌های Z و Alpha در بستری رشد یافته‌اند که از نظر شدت محرک‌های محیطی، سرعت گردش اطلاعات و پیچیدگی روابط اجتماعی، در تاریخ بشر بی‌سابقه است. این نسل‌ها از نخستین سال‌های زندگی در معرض رسانه‌های دیجیتال، تعاملات آنلاین و محتوای تصویری قرار گرفته‌اند؛ تجربه‌ای که نه تنها سبک زندگی، بلکه ساختارهای عصبی و شناختی آنان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در نتیجه، با نسلی مواجه هستیم که ذهن او در هماهنگی با منطق شبکه، سرعت و چندوظیفگی شکل گرفته و این امر تفاوتی بنیادین با الگوهای شناختی نسل‌های پیشین ایجاد کرده است (محمودی et al, ۲۰۲۴).

در نسل‌های گذشته، یادگیری عمدتاً در چارچوب الگوی خطی و مبتنی بر انتقال دانش صورت می‌گرفت. فرآیند شناخت بر تمرکز پایدار، پردازش ترتیبی اطلاعات و پذیرش مرجعیت آموزشی استوار بود. دانش‌آموز می‌آموخت که گوش دهد، حفظ کند و بازتولید نماید. اما نسل Z و Alpha در محیطی پرورش یافته‌اند که اطلاعات به صورت هم‌زمان از منابع متعدد جریان دارد و مرجعیت واحد عملاً از میان رفته است. این شرایط به شکل‌گیری تفکر شبکه‌ای انجامیده است؛ الگویی که در آن ذهن به جای حرکت گام‌به‌گام، میان خوشه‌های اطلاعاتی جابه‌جا می‌شود و معنا را از ترکیب سریع داده‌ها استخراج می‌کند.

این دگرگونی، اگرچه ظرفیت‌های شناختی جدیدی مانند ارتباط‌سازی سریع، انعطاف ذهنی و تفکر واگرا را تقویت کرده است، اما هم‌زمان موجب کاهش عمق پردازش و دشواری

در حفظ توجه بلندمدت شده است. ذهن نسل جدید بیشتر به پیمایش اطلاعات عادت دارد تا به تأمل عمیق؛ پدیده‌ای که مستقیماً بر کیفیت یادگیری مفهومی و تفکر انتقادی اثر می‌گذارد. (کوپایی & وثوقی، ۲۰۲۵)



شکل ۱-۱- ارتباط‌سازی سریع

یکی از تحولات اساسی، تغییر جایگاه حافظه در یادگیری است. در نظام‌های آموزشی سنتی، حافظه ستون اصلی شناخت محسوب می‌شد. اما در زیست‌جهان دیجیتال، دسترسی جایگزین حافظه شده است. نسل Z و Alpha کمتر به ذخیره ذهنی اطلاعات وابسته‌اند و بیشتر بر توانایی یافتن، ارزیابی، ترکیب و کاربرد داده‌ها تکیه دارند. این تغییر، کانون یادگیری را از «دانستن» به «توانستن» منتقل کرده و آموزش مبتنی بر محفوظات را ناکارآمد ساخته است.

از منظر ادراکی، غلبه محرک‌های بصری موجب شده پردازش تصویری بر پردازش متنی پیشی گیرد. مواجهه مستمر با ویدئوهای کوتاه، تصاویر سریع و رابط‌های تعاملی، آستانه تحمل متون طولانی و ارائه‌های یک‌سویه را کاهش داده است. یادگیری برای نسل جدید زمانی معنادار است که چندحسی، تجربه‌محور و مشارکتی باشد. این ویژگی ضرورت گذار از آموزش انتقالی به طراحی تجربه یادگیری را به‌روشنی آشکار می‌سازد.

ابعاد هیجانی شناخت نیز به‌شدت دگرگون شده است. نسل Z و Alpha حساس‌تر به بازخورد فوری، نیازمند تعامل مداوم و وابسته به تأیید اجتماعی هستند. احساس دیده‌شدن، شنیده‌شدن و تعلق داشتن، نقش تعیین‌کننده‌ای در انگیزش آموزشی آنان دارد. برخلاف نسل‌های پیشین که می‌توانستند در چارچوب‌های اقتدارمحور سازگار شوند، نسل جدید تنها زمانی با فرآیند یادگیری همراه می‌شود که رابطه‌ای انسانی، مشارکتی و مبتنی بر احترام متقابل برقرار گردد. بدین ترتیب، یادگیری به پدیده‌ای اجتماعی - هیجانی تبدیل شده است، نه صرفاً شناختی (فیروزه & سفیری، ۲۰۲۴).

هم‌زمان، زیست دیجیتال موجب کاهش آستانه تحمل شناختی و تغییر الگوی توجه شده است. تمرکزهای کوتاه اما مکرر جایگزین توجه پایدار گردیده و ذهن به تنوع محرک‌ها خو گرفته است. در چنین شرایطی، محیط‌های آموزشی ایستا اغلب با بی‌قراری، گسست توجه و کناره‌گیری شناختی مواجه می‌شوند. این واقعیت، طراحی پویا، ماژولار و تعاملی فضای یادگیری را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بدل کرده است.

افزون بر این، دسترسی آزاد به منابع جهانی باعث رشد زودهنگام آگاهی انتقادی شده است. دانش‌آموزان نسل جدید پرسشگرند، مرجعیت سنتی را به چالش می‌کشند و پذیرش قواعد آموزشی را مشروط به درک چرایی آن می‌دانند. اقتدار بدون معنا برای آنان

مشروعیت ندارد. این ویژگی، نقش مدیر و معلم را از «کنترل‌کننده رفتار» به «هدایتگر شناخت و هیجان» تغییر می‌دهد (شیری & نژاد، ۲۰۲۴).

از منظر عصب‌روان‌شناختی نیز شواهد نشان می‌دهد قرارگیری مستمر در معرض محرک‌های سریع دیجیتال، الگوهای توجه، پاداش و تنظیم هیجانی را تحت تأثیر قرار داده است. وابستگی به تحریک فوری، صبر شناختی را کاهش داده و انتظار دریافت نتایج سریع را تقویت کرده است؛ موضوعی که با منطق یادگیری عمیق و تدریجی در تعارض قرار می‌گیرد.

در مجموع، تفاوت‌الگوهای شناختی نسل Z و Alpha با نسل‌های پیشین نه نشانه افت توان ذهنی، بلکه بازتاب سازگاری شناخت انسان با محیط پیچیده و دیجیتال معاصر است. نادیده گرفتن این تحولات، شکاف میان مدرسه و دانش‌آموز را تعمیق می‌کند و به کاهش انگیزش، افت یادگیری و افزایش تعارض منجر می‌شود. در مقابل، درک عمیق این الگوها می‌تواند مبنای بازطراحی آموزش بر پایه یادگیری معنامحور، مشارکتی و انسان‌مدار قرار گیرد.

یادگیری دیجیتال، تصویری و تعاملی

یادگیری در نسل‌های Z و Alpha در بستر زیست دیجیتال شکل می‌گیرد؛ بستری که در آن فناوری نه یک ابزار جانبی، بلکه بخشی از ساختار ادراک و تجربه روزمره است. این نسل‌ها از نخستین سال‌های زندگی با صفحه‌نمایش‌ها، رسانه‌های تعاملی و محیط‌های مجازی مواجه بوده‌اند و در نتیجه، یادگیری برای آنان ماهیتی چندرسانه‌ای، سریع و مبتنی بر تعامل پیدا کرده است. برخلاف نسل‌های پیشین که آموزش را عمدتاً در قالب دریافت منفعلانه محتوا تجربه می‌کردند، دانش‌آموز امروز یادگیری را به مثابه یک فرایند مشارکتی، تجربه‌محور و پویا درک می‌کند.



شکل ۱-۲- یادگیری در نسل‌های Z و Alpha

در یادگیری دیجیتال، دسترسی دائمی به منابع اطلاعاتی موجب شده مرزهای سنتی کلاس درس فرو بریزد. دانش‌آموز دیگر محدود به زمان و مکان مشخص نیست و می‌تواند از طریق پلتفرم‌های آنلاین، محتوای آموزشی، شبکه‌های یادگیری و ابزارهای هوشمند، مسیر یادگیری خود را شخصی‌سازی کند. این وضعیت، نقش مدرسه را از محل انتقال دانش به مرکز هدایت و سازمان‌دهی تجربه یادگیری تغییر داده است. یادگیری به فرایندی پیوسته تبدیل شده که در تعامل میان فضای رسمی آموزش و محیط‌های غیررسمی دیجیتال شکل می‌گیرد (سیدعبدالمجید & حدیث، ۲۰۲۵).

غلبه محتوای تصویری، یکی از شاخصه‌های اصلی یادگیری نسل جدید است. تصاویر، ویدئوها، اینفوگرافیک‌ها و شبیه‌سازی‌های دیجیتال، پردازش شناختی را تسهیل کرده و مفاهیم پیچیده را در قالب‌های قابل درک‌تر ارائه می‌دهند. ذهن نسل Z و Alpha نسبت به محرک‌های بصری واکنش سریع‌تری نشان می‌دهد و معنا را از ترکیب تصویر، حرکت و صدا استخراج می‌کند. به همین دلیل، آموزش متکی بر متن‌های طولانی و سخنرانی‌های

یکنواخت، اثربخشی خود را تا حد زیادی از دست داده است. یادگیری زمانی پایدار می‌شود که اطلاعات در قالب روایت‌های بصری و تجربه‌های ملموس ارائه گردد.

تعامل، عنصر محوری در یادگیری نسل جدید است. دانش‌آموز امروز نمی‌خواهد صرفاً شنونده باشد؛ او خواهان مشارکت فعال، بازخورد فوری و نقش‌آفرینی در فرآیند یادگیری است. ابزارهای دیجیتال امکان گفت‌وگو، همکاری گروهی، حل مسئله مشترک و تولید محتوا را فراهم کرده‌اند و بدین ترتیب، یادگیری از حالت یک‌سویه به تجربه‌ای دوسویه و چندجانبه تبدیل شده است. این تعامل نه تنها شناخت را تقویت می‌کند، بلکه احساس تعلق و انگیزش درونی را نیز افزایش می‌دهد.

یادگیری دیجیتال همچنین به شکل‌گیری الگوهای جدید توجه منجر شده است. نسل Z و Alpha به تمرکزهای کوتاه اما مکرر عادت دارند و ترجیح می‌دهند محتوا در قالب بخش‌های کوچک، متنوع و قابل پیمایش ارائه شود. این ویژگی، طراحی آموزشی را به سمت ماژول‌بندی، ریزآموزش و استفاده از فعالیت‌های کوتاه اما معنادار سوق می‌دهد. در چنین فضایی، معلم نقش تسهیل‌گر یادگیری را بر عهده می‌گیرد و به جای ارائه صرف محتوا، تجربه یادگیری را طراحی و هدایت می‌کند.

از منظر تربیتی، یادگیری دیجیتال و تعاملی نیازمند بازتعریف رابطه معلم و دانش‌آموز است. اقتدار آموزشی دیگر از طریق کنترل و انتقال دانش اعمال نمی‌شود، بلکه از طریق ایجاد اعتماد، هدایت شناختی و حمایت هیجانی شکل می‌گیرد. دانش‌آموز زمانی یادگیری را می‌پذیرد که احساس کند صدایش شنیده می‌شود و نقش فعالی در مسیر آموزشی دارد (سیدعبدالمجید & حدیث، ۲۰۲۵).

یادگیری دیجیتال، تصویری و تعاملی بیانگر گذار از آموزش محتوامحور به یادگیری تجربه‌محور است. این تحول، فرصت‌های گسترده‌ای برای شخصی‌سازی آموزش، تقویت خلاقیت و افزایش مشارکت فراهم می‌کند، اما در عین حال چالش‌هایی چون سطحی‌نگری، وابستگی به محرک‌های فوری و کاهش صبر شناختی را نیز به همراه دارد. مدیریت آموزشی در عصر نسل Z و Alpha مستلزم درک این دوگانه و طراحی آگاهانه محیط‌های یادگیری است؛ محیط‌هایی که هم از ظرفیت‌های فناوری بهره ببرند و هم عمق شناخت، تفکر انتقادی و رشد انسانی را حفظ کنند.

کاهش تمرکز و افزایش نیاز به محرک در نسل Z و Alpha

یکی از مشخصه‌های برجسته ذهن نسل‌های Z و Alpha، کاهش دامنه توجه پایدار و افزایش نیاز به محرک‌های متنوع و سریع است. این ویژگی، نتیجه مستقیم زیست دیجیتال، مواجهه مداوم با فناوری و تغییرات محیط شناختی است که نسل جدید را از همان سال‌های ابتدایی زندگی شکل داده است. برخلاف نسل‌های گذشته که قادر بودند فرآیند یادگیری خطی، پیوسته و عمیق را تجربه کنند، نسل Z و Alpha ذهنی شبکه‌ای، چندمسیره و پردازشگر سریع اطلاعات دارد؛ الگویی که مزایای آن در پردازش حجم بالای داده، خلاقیت و چندوظیفگی آشکار است، اما ظرفیت توجه پایدار، تمرکز طولانی و تعمق در مفاهیم انتزاعی را کاهش می‌دهد (آزادمنش et al., ۲۰۲۴).